



Imam Sadiq Research Institute
for Islamic Sciences
Research Institute for Political
and Defence Studies
P. ISSN: 3795-2538 & E. ISSN: 2783-1299
Website: <http://ijs.isri.ac.ir>
Autumn 2025 & Winter 2026

Ethical Principles of Policy-making in Industry Based on Islamic Ethics

Armin Mansouri*

Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.509218.1169>

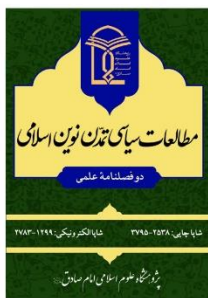
Received: 2025/09/06 - Revised: 2025/11/02 - Accepted: 2025/11/23

Article Type: Research Article

Abstract

The philosophical foundations of the fields of technology and industry indicate that policymaking concerning industry cannot be comprehensively and satisfactorily formulated merely by relying on technical- engineering and operational- executive considerations without due attention to fundamental philosophical, ethical, cultural, and social discussions. Given axiological foundations, and since human beings constitute an inseparable component of the industrial system, it is necessary that Islamic teachings and criteria be taken into consideration in the formulation of industrial policy documents. In this article, using a descriptive-analytical method and based on materials obtained from library sources, the ethical issues related to the field of industry are extracted and identified under eleven headings. These include: environmental and natural resource considerations; rejection of consumerism and wastefulness; justice; combating monopolistic tendencies; productive utilization of people's assets; preservation of the social and economic dignity and status of workers; empowerment of the oppressed to become productive; and combating hoarding.

Keywords: Policymaking, Industry, Islamic Ethics, Value.



*. Assistant Professor, Department of Philosophy, Faculty of Theology and Islamic Studies, University of Tabriz, Tabriz, Iran. Email: mansouri.a1373@gmail.com.





پژوهشگاه علوم اسلامی امام صادق (ع)

پژوهشگاه مطالعات سیاسی و دفاعی

P. ISSN: 3796-2338 & E. ISSN: 2783-1299

نشانی پانگه شهری: http://sjs.isri.ac.ir

پاییز و زمستان ۱۴۰۴

اصول اخلاقی سیاست‌گذاری در حوزه صنعت مبتنی بر اخلاق اسلامی

آرمین منصوری*

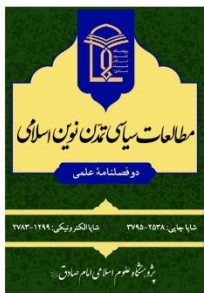
Doi: <https://doi.org/10.22034/rcdir.2025.509218.1169>

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۰۶/۱۵ - تاریخ بازنگری: ۱۴۰۴/۰۸/۱۱ - تاریخ پذیرش: ۱۴۰۴/۰۹/۰۲
نوع مقاله: پژوهشی

چکیده

مبانی فلسفی حوزه فناوری و صنعت، گویای آن است که نمی‌توان سیاست‌گذاری در خصوص صنعت را صرفاً با تکیه بر امور فنی-مهندسی و عملیاتی-اجرایی و بدون توجه به مباحث بنیادین فلسفی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی به صورت همه‌جانبه و مطلوب نگاشت. با توجه به مبانی ارزش‌شناختی و از آنجایی که انسان بخش جدایی‌ناپذیر نظام صنعتی است، ضرورت دارد که آموزه‌ها و معیارهای اسلامی در تدوین اسناد سیاست‌گذاری صنعت، مورد توجه قرار گیرند. در این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالب به‌دست‌آمده از منابع کتابخانه‌ای، مباحث اخلاقی حوزه صنعت استخراج، و در یازده عنوان شناسایی شده است که عبارت‌اند از: ملاحظات محیط زیستی و منابع طبیعی، نفی مصرف‌گرایی و اسراف، عدالت، مبارزه با انحصارطلبی، مولدسازی دارایی‌های مردم، حفظ شأن و جایگاه اجتماعی و اقتصادی کارگر، توانمندسازی مستضعفان برای مولد بودن و مبارزه با احتکار.

واژگان کلیدی: سیاست‌گذاری، صنعت، اخلاق اسلامی، ارزش.



* استادیار گروه فلسفه، دانشکده الهیات و علوم اسلامی، دانشگاه تبریز، تبریز، ایران، mansouri.a1373@gmail.com

مقدمه

سیاست‌گذاری صنعت و فناوری و به تعبیر دیگر، نقشه کلان راهبردی صنعت و فناوری، صرفاً مقوله‌ای فنی-مهندسی و اجرایی-عملیاتی نیست که فقط به احصای گام‌ها و روندهای اجرایی و میدانی مهندسی منجر گردد. مسائلی بسیار بنیادین در سیاست‌گذاری صنعت و فناوری وجود دارد که توجه نکردن به آن‌ها، مسیری مطابق با اهداف انقلاب و نظام اسلامی را در اسناد راهبردی صنعت نخواهد پیمود. این مسائل بنیادین در رابطه با مباحث فلسفی، اخلاقی، فرهنگی و اجتماعی پیرامون صنعت و فناوری طرح می‌گردند. با عنایت به این مسائل در کنار توجه به مسائل اجرایی و میدانی صنعت و فناوری، بایسته است نقشه راهبردی و سند جامع صنعت و فناوری، در مقیاسی که شایسته تمدن نوین اسلامی است، نگاشته شود. حتی ادعا این است که وضعیت نابسامان نظام تولید، توزیع و مصرف موجود در کشور، اگر بیشتر از مسائل فنی، به فرهنگ و اندیشه موجود در مردم و مسئولین مربوط نباشد، کمتر هم نیست.

وضعیت کنونی صنعت جهان غرب، اعم از پیامدهای آن در زمینه‌های اخلاقی-اجتماعی، آلودگی‌های زیست‌محیطی، سبک زندگی و...، ثمره نهایی مسیری است که غرب طبق مبانی توسعه و مدرنیته خویش پیموده است و چنین وضعیتی باید عبرتی در مقابل دیدگان سیاست‌گذاران کشور باشد تا دقیقاً در جست‌وجوی همان مسیری نباشند که غرب در زمینه صنعت و فناوری طی کرده است. متأسفانه چنین نگرش‌هایی در حوزه سیاست‌گذاری صنعت و فناوری در کشور وجود دارد که مغایر با پیشرفت اسلامی-ایرانی بوده و در صورت تحقق آن، نتیجه‌ای مغایر با اهداف انقلاب و نظام اسلامی به بار می‌آورد. در حال حاضر چنین به نظر می‌رسد که شیفتگی خاصی در میان مردم و مسئولین نسبت به توسعه صنعتی و فناوریانه کشور به تقلید از روش غرب و هماهنگ با آن وجود دارد؛ و قابل توجه است که برخلاف سایر مسائل حکمرانی، موازی با چنین شیفتگی‌ای، رویکرد انتقادی در خصوص این مسئله نیز به چشم نمی‌خورد؛ درحالی‌که خود انسان غربی، نقاط ضعف فراوانی را در کنار نقاط قوت این نوع از توسعه صنعتی برمی‌شمارد. به همین دلیل در

حال حاضر چنین است که در پیشرفت صنعتی کشور به اصول و مبانی تمدنی بومی و سبک زندگی اسلامی-ایرانی هیچ توجهی نداشته و گویی که نظام صنعتی فقط به یک شیوه شکل می‌گیرد و آن شیوه چیزی نیست جز همانی که اکنون در کشورهای به اصطلاح توسعه یافته رخ داده است. ما به آثار و نظرات مطرح در فلسفه فناوری غرب نیاز داریم، اما نه به این خاطر که بخوانیم، بپذیریم و تقلید کنیم، بلکه به این دلیل که الهام بگیریم، نقد کنیم، بهره بگیریم و در نهایت در فضای بومی و فکری مان، سنت یا سنت‌هایی در فهم و نقد فناوری، تمدن، سبک زندگی و... پیروانیم و راه را برای تأثیر آن در مقام عمل باز کنیم. شاید رشد نکردن ما در فناوری و صنعت، فرصتی مغتنم برای ما باشد که قبل از درگیری کامل در مسیری که تجربه شده و امتحان خود را پس داده است، براساس تجربه جهانی و متکی بر فرهنگ اسلامی-ایرانی، نظام صنعتی متفاوتی با حُسن بیشتر و ایرادات کمتر بر پا کنیم (پیت، ۱۳۹۳: مقدمه مترجم).

با توجه به اینکه انقلاب اسلامی ایران در مسیر حرکت خود به دنبال ایجاد یک تمدن نوین اسلامی است، قهراً یکی از مسائل اساسی که باید نسبتش را با آن به تفصیل و به روشنی و با دوری از ابهام‌گویی بیان کند، مسئله فناوری‌های مدرن و به تبع آن، صنعت در معنای مدرن است. سیاست‌گذاری‌ها در نظام جمهوری اسلامی، نه فقط در حوزه فناوری و صنعت، که در تمام زمینه‌ها، از یک طرف باید ناظر به ایجاد تمدنی باشد که به دنبال دستیابی به آن است و از طرف دیگر نیز نباید واقعیت‌های فعلی موجود، مانند نقاط ضعف اقتصادی، صنعتی و تأثیرات تمدن مدرن غرب در حوزه‌های گوناگون صنعتی و اوضاع داخلی کشور را نادیده بگیرد تا در مسیری درست و با جهت‌گیری غایی ایجاد تمدن نوین اسلامی به حرکت خود ادامه دهد.

به این مسئله اساسی باید توجه داشت که محل اصلی چالش در برخورد میان تمدن‌ها، در مقیاس جهانی، اخلاق است. اگر اخلاق الهی، که متناسب با همه ابعاد فطرت انسانی است، به مثابه محور پیشرفت لحاظ گردد، جامعه راه تحقق تمدن اسلامی را می‌پیماید؛ اما با حاکمیت اخلاق مادی بر جامعه، که فقط به بخشی از فطرت انسانی تمرکز دارد،

جهانی‌سازی در پیرامون هنجارهای اومانستی مادی‌گرایانه بروز خواهد کرد. از همین جاست که لزوم توجه جدی به ملاحظات اخلاقی در سیاست‌گذاری‌های کلان کشور و از جمله صنعت احساس می‌شود.

اخلاق فناوری و صنعت، ممکن است از یک سو به صورت بسیار محدود و به عنوان تلاش‌های فیلسوفان حرفه‌ای برای اعمال نظریه‌های اخلاقی متعارف نظیر فایده‌گرایی، وظیفه‌گرایی و یا اخلاق فضیلت محور، به مضامین مربوط به کاربری فناوری‌ها و صنایع نرم و سخت پردازد؛ اما از طرف دیگر، این اخلاق ممکن است در یک معنای گسترده به کار رود، به طوری که شامل معیارهای فعالیت حرفه‌ای، رمزهای ارتباط، خط‌مشی عمومی، اخلاق شرکت‌ها، ابعاد قانونی و حتی مضامین مشخصی در جامعه‌شناسی و روان‌شناسی (مربوط به فناوری‌ها و صنایع نرم) نیز باشد (محمدی و همکاران، ۱۳۹۴: ۹۴). در صورتی که اخلاق در معنای دوم مورد توجه قرار گیرد، نقش بسزایی در روندهای کلان ایفا می‌کند.

مبتنی بر مبنای فلسفی ارزش باری فناوری، همواره اندیشه و ارزش‌هایی وجود دارند که باعث می‌شوند یک فناوری و صنعت با ساختاری خاص شکل بگیرد؛ به همین دلیل، بنیان‌های ارزش شناختی اگر در یک خط‌مشی فناوری و صنعتی اعمال شوند، می‌توانند ساختار یک صنعت را دگرگون سازند. در این راستا، می‌دانیم که در نگاه‌های غربی، به‌غیر از دیدگاه‌هایی مثل سنت‌گرایی معنوی، مادی‌گرایی و دنیاگرایی، یک مبنای قطعی و پذیرفته شده است و اگر هم مسائل اخلاقی پیرامون فناوری و صنعت مطرح می‌شود، همگی تکیه بر اخلاقیاتی دارند که حیثاً زندگی دنیایی را به مخاطره می‌اندازند؛ در حالی که در دیدگاه اسلامی، علاوه بر این جنبه مهم، بُعدی حقیقی و اصیل از اخلاقیات نیز مدنظر است که در نسبت با ارزش‌های الهی تعریف می‌شوند؛ برای نمونه، شاید مصرف‌گرایی و فرهنگ ایجاد نیازهای کاذب، به دلیل سودمحوری در اندیشه‌های غربی، به لحاظ اخلاقی چندان مذموم نباشد، در صورتی که همین گزاره اخلاقی، براساس اندیشه اسلامی، جنبه بسیار منفی از صنعت و فناوری مدرن است که باید برای پیشگیری از آن چاره‌ای اندیشید.

با این اوصاف، پرسش این پژوهش این است که «کدامین اصول اخلاقی، مبتنی بر اخلاق اسلامی، در سیاست‌گذاری صنعتی باید مورد توجه قرار گیرند؟» در رابطه با مسئله این پژوهش، مستقیماً تحقیق جامعی صورت نگرفته است؛ از این رو، این پژوهش در بیشتر ابعاد آن نوآوری دارد. در عین حال، دو پژوهش وجود دارد که تا حدودی مرتبط با موضوع پژوهش فرارو هستند. رضائی سامان کندی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «چارچوب سیاست‌گذاری فناوری براساس ارزش‌های اخلاقی اجتماعی؛ مطالعه موردی فناوری نانو در صنعت برق و انرژی» به این نتیجه رسیدند که سیاست‌گذاری و تدوین استراتژی فناوری نانو مبتنی بر نظام ارزشی، می‌تواند چهارچوبی متمایز برای تشخیص و ارزیابی تقابل و تعامل فناوری نانو و بستر جامعه مدنظر، با هدف افزایش رفاه اجتماعی و رشد آگاهی، درخصوص پیامدها و کارکردهای اجتماعی بهره‌برداری از این فناوری و اجتناب از مشکلات آن، ایجاد کند. عربی و زندی (۱۳۹۶) در مقاله «سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت؛ درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی» دریافتند که نظام تعلیم و تربیت، بسترساز بسیار مهمی برای سیاست‌های اقتصادی است و فایده‌گرا یا فضیلت‌گرا بودن افراد جامعه تا حد زیادی در این نظام رقم خورده و سپس، زمینه را برای سیاست‌های اقتصادی فایده‌گرا یا فضیلت‌گرا فراهم می‌کند. ضمن اینکه سیاست‌های اقتصادی می‌توانند به‌طور مستقیم فضائل را در جامعه ترویج یا آن‌ها را تضعیف و حتی تخریب کنند، که در این صورت، جامعه مجبور به پرداخت هزینه‌های اخلاقی و مالی فراوانی برای جبران کارکردهای از دست‌رفته فضائل است.

۱. اصول و ارزش‌های اخلاقی حوزه فناوری و صنعت، براساس نگاه اسلامی

اصول و ارزش‌های اخلاقی مربوط به حوزه صنعت را می‌توان در زنجیره نظام صنعتی، که شامل محصول تولیدی و منابع آن، مصرف‌کننده، عوامل انسانی صنعت (کارگر و سرمایه‌گذار)، و سرمایه می‌شود، مورد بررسی قرار داد.

۱-۱. توجه به ملاحظات محیط زیستی و پیشگیری از هدررفت منابع طبیعی

محیط زیست و نحوه برخورد با طبیعت، یکی از چالش اصلی اخلاقی جهان امروز است که

تنها مقصر آن، الگوی فناوری و صنعت ماده‌گرا است. نحوه تحلیل هستی‌شناسانه انسان غربی از طبیعت و رابطه آن با انسان، نحوه مواجهه او با طبیعت و محیط‌زیست را رقم زده و چالش‌هایی را که امروزه در تمام جهان، اصل حیات انسانی را تهدید می‌کنند، به وجود آورده است.

در حال حاضر، دو چالش عمده زیست‌محیطی پیش روی بشر وجود دارد؛ از یک طرف، تخریب شدید محیط‌زیست و از طرف دیگر، تهدید اتمام منابع تجدیدناپذیر، اعم از منابع سوخت‌های فسیلی، معادن، عناصر خاص پرکاربرد مانند لیتیوم، مس و ...

در سال‌های اخیر، چالش‌های زیست‌محیطی در کشورهای صنعتی، به توجه جدی به حفظ محیط‌زیست در سیاست‌های صنعتی جدید منجر شده و سبب شکل‌گیری تلاش برای سیاست‌گذاری‌های صنعتی سبز (Tagliapietra & Veugelers, 2020) یا دست‌کم لحاظ سلامت محیط‌زیست، به‌منزله یکی از عناصر اساسی، در سیاست‌های صنعتی پارلمان اتحادیه اروپا شده است (see: Gouardères, 2021) (see: Szczepański & Dobрева, 2019).

با نهایت تأسف، در عین تأکیدات اسلام به حفظ محیط‌زیست و غیراخلاقی بودن آسیب به محیط‌زیست و همچنین مصرف بی‌رویه و مسرفانه منابع طبیعی و خدادادی، توجه بسیار اندکی در سیاست‌های صنعتی کشور به حفظ محیط‌زیست معطوف شده و اگر هم تمهیداتی صورت گرفته، در مقام اجرا رعایت نمی‌شوند.

حفظ محیط‌زیست در عین اینکه مسئله‌ای عقلی بوده و به‌وضوح قابل‌درک است، در متون اسلامی نیز به‌شدت موردتوجه بوده و این مسئله به وظیفه اخلاقی-شرعی فرد مسلمان در برابر محیط‌زیست می‌افزاید. در اسلام، تسخیر طبیعت توسط انسان و بهره‌برداری از آن برای پاسخ به نیازهای فطری او مورد تأیید قرار گرفته است: «وَسَخَّرَ لَكُمْ مَّا فِي السَّمَاوَاتِ وَمَا فِي الْأَرْضِ جَمِيعًا مِنْهُ إِنَّ فِي ذَلِكَ لَآيَاتٍ لِّقَوْمٍ يَتَفَكَّرُونَ» (جاثیه: ۱۳). در این آیه و آیات دیگر، به بهره‌برداری انسان از منابع طبیعی معجز داده شده و تمام منابع طبیعی و موجودات زنده کره زمین مسخر (رام شده) برای انسان معرفی شده است؛ اما علاوه بر سلطه انسان بر طبیعت، در آیات دیگر، انسان

به‌عنوان خلیفه الهی در زمین معرفی شده و این عنوان، نحوه بهره‌برداری از طبیعت را محدود می‌کند. انسان بر طبیعت، به‌عنوان جانشین خدا سلطه دارد؛ به این معنا که در این سلطه خود باید متصف به اوصاف الهی باشد؛ از این رو، ویرانگری و استفاده باطل و بدون حکمت از منابع طبیعی و هدر دادن آن‌ها برای انسان مجاز نیست (جوادی، ۱۳۸۷: ۶۲).

علاوه بر این، نحوه بهره‌برداری انسان از طبیعت، به‌موجب آیات «هُوَ أَنشَأَكُمْ مِنَ الْأَرْضِ وَ اسْتَعْمَرَكُمْ فِيهَا» (هود: ۶۱) و روایاتی نظیر «هر مؤمنی زمینی را آباد کند از آن اوست»^۱ (طوسی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۱۴۵)، با الفاظ استعمار (آبادانی) و احیا (زنده کردن) ذکر شده و در نتیجه، جانشینی انسان بر زمین در بهره‌برداری از آن، صرفاً باید در راستای آبادانی آن باشد، نه تخریب و از بین بردن آن. لفظ آبادانی و احیا، گویای آن است که هرچند تمام آنچه در زمین است برای استفاده انسان مهیا شده، اما وظیفه انسان آباد کردن زمین است و کوتاهی او در این زمینه، باعث دوری از رحمت الهی (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۳۶) و موجب بازخواست انسان خواهد بود. چنان‌که از قرآن کریم استفاده می‌شود، توفیق آبادانی زمین را انسان‌های باایمان دارند و این گروه هستند که به محیط زیست ارجح می‌نهند و مانع از آلودگی آن می‌شوند؛ اما حاکمان بی‌ایمان و سردمداران مستکبر، جامعه را به فساد می‌کشاند و برای رسیدن به مطامع خویش، به تخریب زمین و محیط زیست دست می‌یازند، چنان‌که در شرق و غرب جهان، بشریت به نابودی جنگل و کشاورزی و آلودگی و ناامنی محیط زیست مبتلاست و حتی موجودات زنده دریایی و صحرایی نیز از فساد آنان در امان نمانده است (جوادی آملی، ۱۳۸۶: ۲۹)؛ «وَ إِذَا تَوَلَّى سَعَى فِي الْأَرْضِ لِيُفْسِدَ فِيهَا وَيُهْلِكَ الْحَرْثَ وَالنَّسْلَ وَ اللَّهُ لَا يَحِبُّ الْفُسَادَ» (بقره: ۲۰۵).

از طرف دیگر، میزان استخراج و بهره‌برداری و نیز افزایش بهره‌وری از منابع استخراج‌شده، یکی دیگر از مواردی است که به‌حکم اخلاق اسلامی باید مورد توجه جدی قرار گیرد؛ نخست، این مسئله به دلیل مسئولیت‌پذیری اخلاقی در قبال حفظ ذخایر منابع طبیعی برای آیندگان مورد تأکید قرار می‌گیرد و دوم، به علت نهي از مصرف بی‌رویه و اسراف در منابع

۱. قال امیرالمؤمنین علیه السلام: «مَنْ أَحْيَا أَرْضًا مِنْ الْمُؤْمِنِينَ فَهِيَ لَهُ...»

طبیعی^۱ قابل توجه است. کم بودن بهره‌وری و هدررفت منابع، قطعاً از مصادیق اسراف در تولید بوده و باید رفع آن در اولویت تصمیم‌گیری قرار گیرد.

آمارهای به‌دست آمده از وضعیت بهره‌وری و تلفات در کشور جای نگرانی دارند؛ به طور نمونه، تلفات شبکه برق در ایران، با توجه به آمارهای رسمی وزارت نیرو و مرکز آمار در سال ۱۴۰۱، چیزی حدود ۱۰/۴۱ درصد است، درحالی‌که میانگین جهانی تلفات حدود ۷ درصد است (مرکز آمار، ۱۴۰۳). هرچند در برخی آمارهای غیررسمی، میزان تلفات شبکه برق کشور را تا ۴۰ درصد نیز گزارش کرده‌اند (رک: خبرگزاری تابناک، ۱۴۰۲). فارغ از اینکه کدام‌یک از این آمارها مطابق با واقع هستند، به هر حال، تلفات حدود ۴ درصد بیشتر از متوسط جهانی نیز که طبق آمارهای رسمی ارائه شده، نمی‌تواند قابل قبول باشد.

با توجه به این آمارها و گزارش‌های کارشناسی، عمده دلیل بالا بودن سرانه مصرف انرژی، سوخت و... در ایران نسبت به کشورهای دیگر جهان، بیشتر به نقص و پایین بودن سطح فناوری دستگاه‌های تولید و توزیع و نیز محصولاتی که مصرف‌کننده مصرف می‌کند، مربوط می‌شود؛ نه اینکه کاملاً به مصارف خانگی و مصرف‌کنندگان نهایی مرتبط باشد. همین شرایط در مسئله مصرف آب و هدررفت بسیار بالای آن در بخش کشاورزی و خطوط توزیع وجود دارد که طرح آن‌ها از عهده این نوشتار خارج است.

در حال حاضر، استانداردهای زیست‌محیطی که درخصوص حفظ محیط زیست از اثرات مخرب صنایع با آلاینده‌گی بالا، نظیر پتروشیمی، فولاد، خودرو و... در کشور - واقعیت، نه در آمارها - رعایت می‌شوند، جای نگرانی زیادی دارند. بهره‌وری صنایع مختلف کشور، خصوصاً در حوزه انرژی، بسیار پایین بوده و استانداردهای محدودکننده استخراج منابع فسیلی، معدنی، فلزات و... یا تدوین نشده‌اند یا در عمل اجرا نمی‌شوند، و با خصوصی‌سازی بدون نظارت بر معادن، بیم آن می‌رود که این عدم محدودیت در استخراج، روزافزون گردد.

موارد بیان شده در رابطه با محیط زیست و منابع طبیعی، نه همچون سایر کشورها صرفاً

۱. «كُلُوا و اشْرَبُوا و لا تُسْرِفُوا» (اعراف: ۳۱).

به دلیل رعایت اخلاق اعتباری حفظ محیط زیست نبوده، بلکه وظیفه‌ای شرعی و اخلاقی است که هرگونه سهل‌انگاری و اجحاف در رابطه با آن، موجبات بازخواست الهی خواهد بود. بنابراین، رعایت استانداردهای سطح بالای جهانی در صنایع، انتظاری حداقلی است. باید با دقت توجه کرد که تهدید جدی‌تر از ضایعات زیست‌محیطی، حاصل از تولید صنعتی جدید، ضایعات فرهنگی (نیاز کاذب مصرف‌گرایی، دنیاگرایی و...) تمدن جدید است که در سطحی بسیار وسیع‌تر بشریت را مسخ کرده و او را تا پایین‌ترین مراتب حیوانی وجود هبوط داده است (آوینی، ۱۴۰۰: ۸۳). در ادامه، این مطلب بیشتر بررسی خواهد شد.

۲-۱. نفی مصرف‌گرایی و اسراف

مصرف بیشتر برای توسعه بیشتر، ضرورت حتمی اقتصاد جهان امروز است؛ چون اگر کالاهای تولیدشده مصرف نشود، امکان توسعه تولید (یعنی امکان توسعه اقتصادی) وجود نخواهد داشت. از این رو، برای تولید بیشتر، که ضرورت توسعه اقتصادی است، باید مردم را به مصرف هرچه بیشتر ترغیب کرد و در نتیجه تبلیغات، که از ارکان اساسی توسعه به شیوه غربی است، نقش خود را در این مهم به بهترین نحو ایفا می‌کند. برای حفظ سیستم کنونی اقتصاد آزاد و دستاوردهای آن باید از یک سو، دوام و ماندگاری تولیدات کارخانه‌ها کم شود و از سوی دیگر، مردم را به مصرف هرچه بیشتر و اسراف وادار کرد. تصور اینکه مردم دنیا حتی برای لحظه‌ای به نیازهای حقیقی و الگویی متناسب با حواجیح واقعی انسان بازگردد، برای یک اقتصاددان وحشتناک‌ترین چیز است. اگر حتی برای یک لحظه، مردم برای نیاز واقعی خود مصرف کنند، ادامه روند کنونی توسعه صنعتی به بحران‌های سهمگین گرفتار می‌گردد (آوینی، ۱۴۰۰: ۹۱-۹۴). اقتصاد در لغت، به معنای میانه‌روی و صرفه‌جویی است؛ اما در حال حاضر، علم اقتصاد نه تنها به دنبال صرفه‌جویی نیست، بلکه مصرف بیشتر، نشانه پیشرفت اقتصادی است.

جایی برای تکرار این مطلب بدیهی نیست که بهره‌مندی از منابع و نعمات الهی و مصرف آن‌ها نه تنها مورد تأیید اسلام است، بلکه اصلاً این منابع برای استفاده انسان خلق شده‌اند و کسانی که خود را از بهره‌مندی‌های حلال موجود در زمین محروم می‌کنند، توسط

خداوند نهی شده‌اند: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْرِمُوا طَيِّبَاتِ مَا أَحَلَّ اللَّهُ لَكُمْ وَلَا تَعْتَدُوا» (مائده: ۸۷)؛ اما آنچه که در کنار این مجوز اسلام، باید مورد توجه جدی قرار گیرد، توجه به دو مطلب اساسی است: نخست، رفاه اقتصادی جامعه در گرو دو عنصر محوری است: کوشش در تولید و قناعت در مصرف (جوادی آملی، ۱۳۹۹: ۳۴۴) و دوم، توجه به هدف از مصرف و بهره‌برداری منابع.

در تعالیم اسلام، بر تشویق به تولید و اعتدال و قناعت در مصرف تأکید شده است. آیات و روایات فراوانی بر این اصل دلالت دارند که رفاه و آسایش واقعی آدمی در مصرف بی‌رویه نیست، بلکه در بی‌نیازی و عدم وابستگی به دیگران است. اگر انسان بتواند خود را از تعلقات دنیایی برهاند و بی‌نیاز سازد، راحت‌تر زندگی خواهد کرد؛ تا اینکه با مصرف بی‌حساب آن امور، خود را بی‌نیاز کند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۳۳). بنابراین، نشانه یک فرد و جامعه ایمانی این است که تولید و خدمات به جامعه بیشتر، و مصرف او در حد اعتدال است. طبیعتاً هرگونه خروج از اعتدال در مصرف، مصداق مصرف‌گرایی بوده و اسراف و تبذیر خواهد بود و اسراف نیز به شدت توسط خداوند نهی شده است: «...كُلُوا مِنْ ثَمَرِهِ إِذَا أَثْمَرَ وَآتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (انعام: ۱۴۱)؛ «...كُلُوا وَاشْرَبُوا وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» (اعراف: ۳۱)؛ «إِنَّ الْمُبَذِّرِينَ كَانُوا إِخْوَانَ الشَّيَاطِينِ» (اسراء: ۲۷) و دارای حرمت شرعی است.

ازسوی دیگر، در قرآن به بهره‌برداری از نعمت‌های الهی سفارش شده و همه سفارش‌ها درباره کار و تولید و اهمیت آن، برای ایجاد زمینه مصرف درست در جهت رشد و تعالی انسان است. مصرف یادشده نیز یا برای تأمین نیازهای فردی یا اجتماعی است. پس در اسلام، اعتقاد اصل است، نه اقتصاد؛ اما توده مردم تاب‌وتوان سختی و فقر را ندارند و ممکن است بر اثر دشواری معیشت، قدرت حفظ دین از آن‌ها گرفته شود؛ ازاین رو، اقتصاد سالم و جامع و لزوم تأمین و تعدیل ثروت در اسلام بسیار اهمیت دارد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۲۴-۶۲۶). پس اسلام مجوز مصرف و بهره‌برداری در حد اعتدال را صادر و به آن ترغیب می‌کند؛ اما باید توجه کرد که اسلام مصرف را نه برای خود مصرف، بلکه برای تعالی

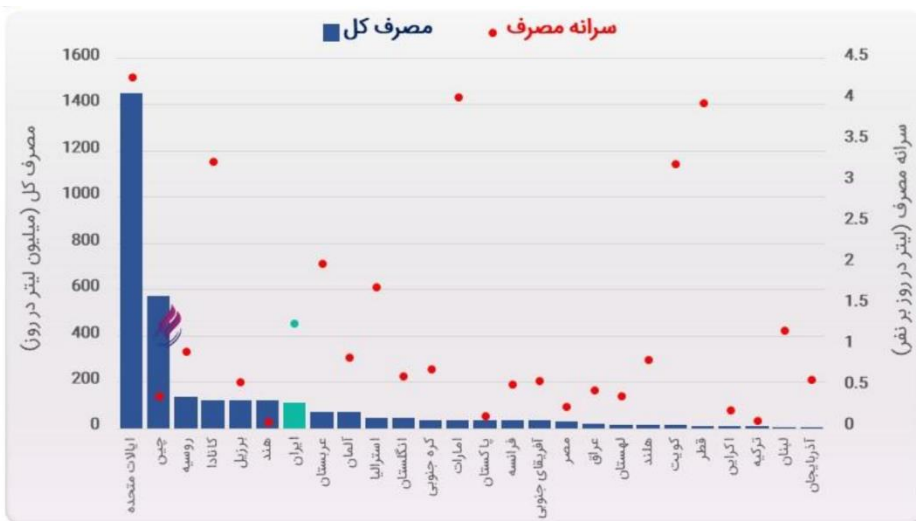
وجودی انسان می‌خواهد، تا با تأمین بودن نیازهای مادی او، فرصت کافی برای تعالی وجود حاصل گردد.

باید به این نکته اساسی که منطبق با نظام تکوین و حقیقت جهان است نیز دقت شود که براساس روایات، مصرف‌گرایی و اسراف، موجب از بین رفتن منابع و کمبود منابع تأمین نیاز خواهد بود: «هر کس تبذیر و اسراف کند نعمت از او زایل شود»^۱ (حرانی، ۱۳۶۳: ۴۰۳)؛ از این رو، مصرف‌گرایی و اسراف عده‌ای محدود از مردم، در مقابل عده کثیر محروم از آنان است که سبب از میان رفتن منابع و در نتیجه، کمبود منابع و امکانات اولیه شده و منجر به آمارهای وحشتناک گرسنگی در سطح جهان می‌شود، نه زیاد شدن جمعیت جهان.

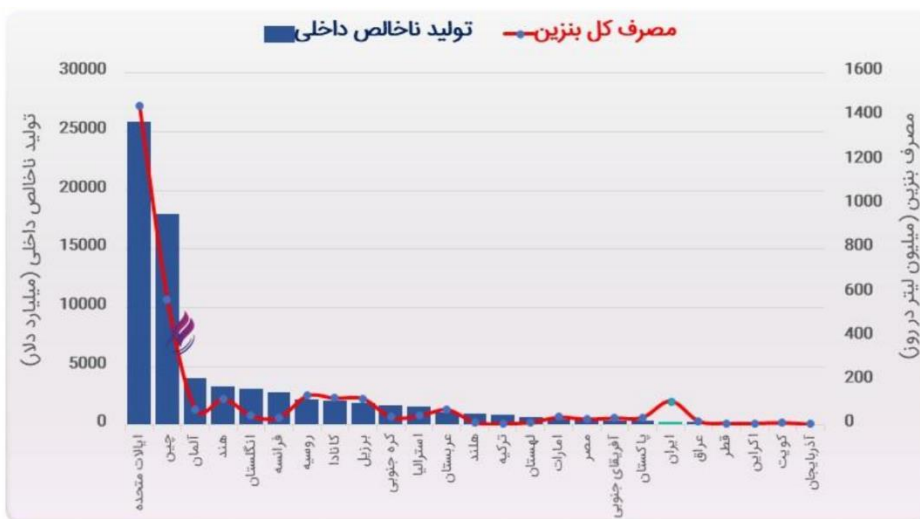
با وجود چنین تأکیداتی در اسلام، مصرف‌گرایی از آفت‌های اساسی کشور و جامعه ایران است. آمارهای گوناگون از جمله آمارهای مربوط به مصرف انرژی، آب، سوخت و... نشان از آن دارند که امروزه در برخی از موارد، مصرف‌گرایی در میان مردم ما از مصرف‌گرایی در بعضی کشورهای توسعه‌یافته با فرهنگ غربی (در مقایسه با سهم آنان از تولید) نیز فراتر رفته است.

برای نمونه، میزان سرانه مصرف بنزین در سال ۲۰۲۲ در ایران با میزان ۱/۲۷ لیتر در روز، جزو سرانه‌های نسبتاً بالا است. سرانه مصرف کشورهای اروپایی ۰/۶ لیتر در روز و تقریباً برابر با میانگین جهانی است و در این میان، بیشترین سرانه مصرف مربوط به آمریکا با ۴/۲۶ لیتر در روز است. دقت شود که مصرف کل بنزین در یک کشور، شاخص مناسبی برای ارزشیابی وضعیت مصرف بنزین نیست و این میزان باید با توجه به جمعیت و تولید ناخالص داخلی ارزیابی شود. این ارقام زمانی که با تولید ناخالص داخلی مقایسه شود، بیانگر وخامت اوضاع در بالا بودن سرانه مصرف خواهد بود (جمعی از نویسندگان، ۱۴۰۲: ۳-۴).

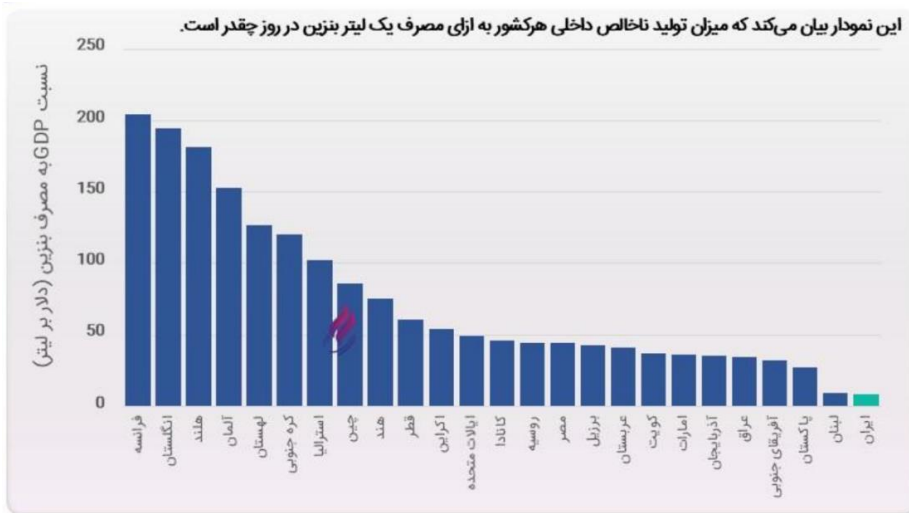
۱. قال الکاظم علیه السلام: «... مَنْ بَدَّرَ وَ أَسْرَفَ زَالَتْ عَنْهُ الْنِعْمَةُ.»



نمودار ۱. مقایسه مصرف کل و سرانه بنزین در سال ۲۰۲۲ (همان: ۵)



نمودار ۲. مقایسه مصرف کل بنزین و تولید ناخالص داخلی در سال ۲۰۲۲ (همان: ۶)



نمودار ۳. مقایسه نسبت تولید ناخالص داخلی به مصرف بنزین در سال ۲۰۲۲ (همان: ۸)

دوباره تأکید می‌شود در مسئله میزان مصرف بنزین نیز، با لحاظ ایرادات موجود در کیفیت سوخت، میزان مصرف سوخت خودروهای تولید داخل، وضعیت جاده‌ها، ضعف امکانات حمل و نقل بین شهری و درون شهری و با در نظر گرفتن وسعت، شرایط اقلیمی و پراکندگی جمعیت کشور، در مقایسه با سایر کشورها، این آمارها باید سنجیده شده و مبتنی بر آن، جایگاه مقدار مصرف واقعی مردم محاسبه گردد (محمدخانی، ۱۳۹۴: ۳۳).

در هر صورت، مصرف‌گرایی در کشور در حدی وجود دارد که بتوان ادعا کرد به طور کلی تعادل و توازن میان تولید و مصرف در کشور نامتناسب بوده و میزان مصرف در کشور به میزان بسیار زیادی، از میزان تولید ناخالص داخلی پیشی گرفته است.

بنابراین، مشکل ما با فرهنگ مصرف‌گرایی و اسراف در کشور نه فقط در رابطه نسبی با نیازهای کاذب، بلکه به صورت بسیار شدید و فاجعه‌آمیز در خصوص نیازهای ضروری، مانند حوزه انرژی، آب، سوخت، دورریز مواد غذایی، پوشاک و... است. این مصرف‌گرایی، در صورتی که به لحاظ ساختار صنعتی و نظام و فرهنگ حاکم بر تولید کنترل نشود، با رشد صنعتی و تولید نه تنها کمتر نمی‌شود، بلکه به موجب اقتضای ساختار و فرهنگ حاکم بر صنعت جهان، در صورتی که همین مسیر را بپیماییم، با ترغیب تولیدکنندگان بیشتر هم خواهد شد؛ زیرا برای تولید بیشتر که ضرورت توسعه اقتصادی در معنای غربی است باید

مردم را به مصرف هرچه بیشتر ترغیب کرد. این مصرف‌گرایی در صورتی که از الگوی معتدلی پیروی نکند، در نهایت به مصرف هرچه بیشتر منابع طبیعی و معدنی و استخراج بیش از اندازه آن‌ها خواهد انجامید. براین اساس، ضروری است سیاست‌گذاری‌هایی در حوزه مصرف، در بخش صنعت و انرژی صورت گیرد. این سیاست‌ها لازم است ابتدا به صورت بسیار جدی و به عنوان اولویت نخست، در بخش مربوط به مسائل فنی دستگاه‌ها و صنایع تولید و توزیع، در راستای افزایش بهره‌وری و پیشگیری از تلفات، از سوی دولت پیگیری گردد و سپس، در بخش اصلاح فرهنگ عمومی مردم و نیز سیاست‌های کنترلی از طریق وضع قوانین تشویقی، جریمه و... صورت پذیرد.

موارد بیان‌شده در خصوص لزوم کنترل مصرف‌گرایی و پیشگیری از اسراف، در مقایسه با انتظاری است که مبتنی بر آموزه‌های اسلامی و شاخصه‌های تمدن اسلامی، از ملت ایران در به حداقل رساندن اسراف و تعادل میان تولید و مصرف می‌رود، مطرح گردیده است. در نتیجه، هرگونه اقدام در راستای سیاست‌های پیشنهادشده باید با رعایت تمامی حقوق مردم و با مدنظر قرار دادن لزوم ایجاد رفاه معقول برای تمام مردم، براساس حدود موردتأیید اسلام و جلوگیری از فشارهای نامتعارف و نامعقول بر مردم صورت گیرد.

۳-۱. جلوگیری از القای نیاز کاذب در جامعه

با یک دقت اولیه، می‌توان انواع نیازها را به یک اعتبار، به نیازهای حقیقی و کاذب، و به اعتبار دیگر، به نیازهای دوره‌ای (مربوط به هر عصر) و تمدنی تقسیم کرد. انسان به موجب فطرت و طبیعت خود، دسته‌ای از نیازمندی‌ها را دارد که ثابت بوده و برای همه انسان‌ها، در تمامی دوران‌ها و تمدن‌ها وجود دارند؛ این نیازها حقیقی هستند. نیاز کاذب، در مقابل نیازهای حقیقی قرار داشته و مقتضای ذات و تمایلات ذاتی انسانی نیست، بلکه انحراف از حدود و تعادل تمایلات و اخلاقیات انسانی منجر به بروز این نیازها می‌گردند. دسته دیگر نیازمندی‌ها مربوط به دورانی هستند که انسان در آن زندگی می‌کند؛ برای نمونه، اگر نیاز به حمل‌ونقل را یک نیاز ضروری قلمداد کنیم، دوران قدیم، یک اقتضا و دوران کنونی، اقتضایی دیگر و بسیار متفاوت‌تر برای ارضای این نیاز داشته است. نیازهای تمدنی، آن دسته از

نیازهایی هستند که یک تمدن متناسب با اندیشه‌ها، اهداف و سبک زندگی که به دنبال خود می‌آورد، در جامعه ایجاد می‌کند.

آنچه محل بحث است، نیازهای کاذبی است که یک تمدن به دلیل اصول و مبانی حاکم بر آن، ممکن است در اعصار مختلف برای بشر پدید آورد؛ نه نیازهای حقیقی متناسب با اقتضانات اعصار مختلف.

بسیاری از متفکرین معتقدند که بنیان اصلی اقتصاد و به تبع آن، فناوری و صنعت غرب بر القای نیازهای کاذب در انسان استوار است. نظام سرمایه‌داری و نظام کمونیستی، هریک به نحوی برای تضمین بقای خود، به ایجاد نیاز کاذب در جوامع احتیاج داشته‌اند. نیاز کاذب، تمایل بشر برای ارضای کاذب را ایجاد کرده و به دنبال آن، بازار کالاهای مختلف غیرضروری در تمام نقاط جهان به وجود می‌آید و بدین ترتیب، دائماً خون تازه به رگ‌های سیستم صنعت مادی غرب دمیده می‌شود. بنابراین، به‌روزرسانی دائمی نیازهای کاذب انسان در سیستم فعلی صنعتی جهان نه تنها مذموم نیست، بلکه ارزش و حتی نشانه توسعه نیز محسوب می‌شود. در جهانی که فرهنگ مادی‌گرا به میراث گذاشته است، سنجش خوشبختی، ارزشمندی و جایگاه اجتماعی انسان، با تکیه بر پاسخگویی به نیازهای کاذب صورت می‌گیرد. اصولاً اقتصاد آزاد، به شیوه غربی برای رفع احتیاج بازار نیست، بلکه برای ایجاد بازار احتیاج است (گارودی، ۱۳۶۵: ۴۹۵).

با اندک دقتی مشخص می‌شود که اصل اسراف و مصرف‌گرایی نیز به همین نیاز کاذب (در کمیت) بازمی‌گردد؛ اما آنچه در اینجا محل بحث است، نیاز کاذب به معنای خاص آن، یعنی نیاز کاذب در کیفیت است. پاسخ به نیازهای کاذب چیزی جز اسراف در کیفیت مصرف نیست و این مسئله نیز در اسلام نهی شده است. توضیح آنکه در اخلاق اسلامی و احکام شرعی، اگر مال در غیر از مسیر صحیح و معقول آن خرج شود، غیراخلاقی بوده و در موارد بسیاری، غیرشرعی است: «اسراف آن است که برای مال، فسادآور و برای بدن، زیان‌آور باشد»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ص ۵۴).

۱. قال الصادق علیه السلام: «إِنَّمَا الْإِسْرَافُ فِيمَا أَفْسَدَ الْمَالُ وَأَضَرَ بِالْبَدَنِ».

اصولاً زمانی که نیاز کاذب در انسان به وجود آمد، دنیاطلبی و مشغولیت دنیایی فردی و جمعی بیشتر شده و درنهایت، روزه‌روز ارزش‌های مادی مستحکم‌تر شده و ارزش‌های الهی و انسانی فراموش می‌شوند.

در اخلاق اسلامی، تقابل و دشمنی مبنایی میان زندگی مذموم دنیایی - در معنایی که ذکر شد- و حیات طیبه وجود دارد و به میزانی که انسان، غرق در زندگی دنیایی مذموم حاصل از نیازهای سیری‌ناپذیر کاذب می‌شود، به همان میزان از حیات طیبه فاصله می‌گیرد. اصولاً دنیاگرایی چیزی جز پاسخگویی به نیازهای کاذب (چه کیفی و چه کمی) نیست. نقل شده است که دنیا مانند آب دریاست که هرچه قدر نوشیده شود نه تنها عطش انسان برطرف نمی‌شود، بلکه عطش او هم بیشتر می‌شود؛ نیازهای کاذب نیز این چنین هستند. به میزانی که پای ارضای نیاز کاذب به زندگی انسان باز شود، عطش روزافزون امیال و شهوات برای شناسایی نیاز کاذب و ارضای آن‌ها را به دنبال خواهد داشت.

توجه به این مطلب بنیادین نیز ضروری است که رشد استانداردهای زندگی و در نتیجه، تأمین نیازهای حقیقی در پاسخ به این استانداردها، یک بحث، و ایجاد نیاز کاذب بحثی دیگر است. طبیعی است نیازهای تمدنی انسان در هر دوره تاریخی، متناسب با رشد فکری، عقلی و سطح زندگی او افزایش یافته و در نتیجه، استانداردهای زندگی نیز پیشرفت می‌کند. اتفاقاً همین امر، همان انتظاری است که خداوند تحت عنوان «آبادانی زمین» از انسان دارد؛ اما این به معنای توجیه نیازهای کاذب در چهارچوب افزایش استانداردهای سطح زندگی نباید تصور شده و باید چهارچوبی براساس اخلاق و شرع اسلام برای آن معین شود.

۴-۱. فناوری و صنعت باید در خدمت انسان باشد نه برعکس

از آفات اخلاقی دیگری که به واسطه الگوی فناوری و صنعت با اندیشه غربی، در افکار و اعمال مردم کشورهای اصطلاحاً توسعه‌یافته شکل گرفته و میزان پیشرفت سایر کشورهای جهان نیز با آن میزان سنجیده می‌شود، عبارت است از اینکه معیار تکامل انسان، رشد فناوری و دستیابی به فناوری‌های پیچیده و پیشرفته و به تبع آن توسعه اقتصادی است. این نگاه تا جایی پیش رفته که به تدریج انسان به خدمت فناوری و صنعت درآمده است، گویی

انسان زندگی می‌کند برای اینکه محصول صنعتی و فناورانه تولید کند و دستیابی به فناوری و صنعت، نمایانگر تکامل انسانی است؛ نه اینکه فناوری و صنعت تولید می‌کند تا بتواند با دشواری کمتری نیازهای مختلف خود را برطرف کند.

در کشورهای توسعه‌نیافته نیز برای اینکه شائبه تقلید در مورد آنان پیش نیاید، غرب را صورت کامل تمدن بشری معرفی می‌کنند و راه غرب را راه نوع بشر و تمدن غربی را مرحله کمال آدمی می‌دانند (داوری اردکانی، ۱۳۹۲: ۱۹۶)؛ ولی ما نباید تسلیم همان نسبتی شویم که بین بشر جدید و فناوری و روش‌شناسی وجود دارد. تسخیر جوهر تمدن جدید در گرو همین تغییر نسبت است (آوینی، ۱۳۹۲: ۲۳۰) و این تغییر نسبت، منجر به معرفی تمدن نوین اسلامی می‌شود.

این نگاه، حاصل عدم توجه به تفاوت توسعه و تکامل و خلط میان این دو مفهوم است. توسعه و تکامل در اسلام معادل نیستند؛ البته مطلقاً در مقابل هم نیز نیستند. رشد سطح زندگی و امکانات آن، تنها می‌توانند زمینه تکامل انسان را فراهم کنند و در نگاه اسلام، رشد امکانات مادی، فراهم‌کننده حرکت انسان به سوی تکامل ذاتی اوست و به‌خودی‌خود هدف نیست. این توجه انسان غربی به یک بعد از ابعاد وجودی انسان است که رشد سطح زندگی مادی را نشانگر تکامل ذاتی انسان می‌داند؛ درحالی‌که با توجه به تمام ابعاد وجودی انسان، رشد زندگی مادی و صنایع و به‌تبع رفاه اقتصادی، تنها به ساحتی از وجود انسان مربوط می‌شود که آن هم نمایانگر تکامل ذاتی او نیست.

بنابراین، از آنجاکه اقتصاد در معنای کنونی و صنایع حاصل از این الگو، دچار مطلق‌انگاری و ریاست خویش بر سایر ابعاد وجودی انسان شده و حتی جایی برای سایر ابعاد وجودی بشر نگذاشته و منجر به حذف و انکار سایر ابعاد شده است، بسیار بعید است در خدمت تکامل و تعالی تمام ابعاد وجودی انسان قرار بگیرد.

لازم است دوباره یادآوری شود که این مطالب به‌معنای کم‌اهمیت کردن توجه به فناوری، صنعت و اقتصاد نیست، بلکه تلنگری است برای توجه به سایر ابعاد وجودی انسان و در یک کلام، انسان‌سازی، در کنار توجه بسیار جدی به زندگی و رفاه اقتصادی، فناوری و صنعت.

انقلاب اسلامی نیز هدفی جز این جامع‌نگری به انسان ندارد. اساساً حرکت جوهری وجودی بی‌انتهای انسان، شاخصه اوست و به‌موجب این حرکت جوهری، وظیفه دارد در هر مرتبه از زندگی خویش، رکود و جمود را از میان ببرد و موجب رشد آن شود. در اسلام، این خروج از رکود و جمود در روی زمین، با لفظ آبادانی برعهده انسان قرار داده شده و حاصل آن، ظهور دادن هرچه بیشتر استعدادهای مدفون در کره زمین توسط فناوری و صنعت است؛ اما اینکه انسان صرفاً خود را در خدمت آن قرار دهد، به‌شدت نفی شده است و این همان راهی است که انسان غربی در پیش گرفته و آسیب‌های ناشی از آن را نیز تجربه کرده است.

۵-۱. عدالت

یکی از اهداف اصلی نظام اقتصادی اسلام، رعایت عدالت در توزیع منابع و درآمد و ثروت است، تا از انباشت مال در عده‌ای خاص و مصرف بی‌رویه آن توسط آنان جلوگیری شده و همگان از مواهب الهی بهره‌مند گردند (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۶۱۸). زمانی که از توزیع عادلانه ثروت سخن به میان می‌آید، مجموعه عدالت در میزان درآمد، عدالت در توزیع امکانات و منابع، عدالت در توزیع خدمات، تناسب میزان کار و درآمد، عدالت در مصرف و دوری از تمرکز مصرف، موردنظر است.

در رابطه با عدالت در نحوه توزیع ثروت، به دو نکته مهم باید توجه کرد: اول اینکه، از نظر اسلام عزت فرد در کسب درآمد، بسیار اهمیت دارد؛ از این رو، بهترین تصمیم برای دولت اسلامی این است که به‌جای پول پاشی و کمک مالی برای تحقق عدالت - البته در میان افراد توانمند -، زمینه اشتغال - به‌ویژه خوداشتغالی - و مولد بودن عادلانه افراد جامعه را فراهم کند. دوم اینکه، با توجه به داعیه‌دار بودن مکاتبی در سالیان معاصر در خصوص عدالت، باید معنای عدالت حقیقی مشخص شود. عدالت حقیقی، مانند عدالت مطرح در شرق و غرب، صرفاً برای این نیست که نظام موجود را حفظ کند و بسا که فقط به‌منظور حفظ حکومت و سلطه مطرح شود. این عدالت، در خدمت توسعه بندگی نیست، بلکه در نگاه دنیوی، عدالت امری برای «توسعه پایدار» است. به‌دیگرسخن، چون برای بهره‌مندی بیشتر به یک نظم جهانی نیاز است، تا در فضایی آرام و مطمئن، در رشد و توسعه گام نهیم، باید

عدالت در سراسر جهان برقرار باشد تا انقلاب‌ها و شورش‌ها و تنش‌ها درنگیرند و فضای بهره‌مندی را آشفته نسازند. این در حالی است که مفهوم عدالت در نگاه توحیدی، معنای دیگری دارد و آن، برقراری عدالت برای ایجاد زمینه‌های مناسب برای رشد و تکامل عبّاد، برای بندگی و خضوع در برابر پروردگار و اعتلای کلمه توحید است. در این فرض که غایت کمال انسانی، رسیدن به قرب پروردگار و خداخواهی به جای خودخواهی است، ایثار بر سر دنیا که سهل است، بلکه ایثار بر سر آخرت برای جلب رضای الهی صورت می‌گیرد. در این فرض، اغنیا برای برقراری عدالت نسبت به ضعیفان و فقیران تشنه‌ترند و به هدف اعتلای کلمه توحید، برای فراهم کردن مقدمات آن، که عدالت از مهم‌ترین آن‌ها است، می‌کوشند (میرباقری، ۱۳۸۹: ۱۱). همین مسئله باعث شده است که در میان اهداف اصلی رسالت انبیا، هدف اصلی بعثت انبیا در قرآن از لحاظ اجتماعی، برقراری عدالت و قسط معرفی گردد: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

حاصل آنکه، برقراری عدالت در سیاست‌گذاری‌های نظام اسلامی، یکی از اصول اساسی اخلاقی است و تمامی سیاست‌گذاری‌های حوزه صنعت، چه از جنبه میزان درآمد، توزیع امکانات و منابع، توزیع خدمات صنعتی، تناسب میزان کار در فضای صنعت و درآمد، توزیع مصرف محصولات و... باید حول محور عدالت و به صورت عادلانه صورت پذیرد. یک نمونه عینی، میزان توزیع درآمد حاصل از محصولات صنعتی به کارگران، به لحاظ عدم تناسب میزان کار با درآمد، سختی کار فراوان و... که بر کسی پوشیده نیست، نمونه‌ای از عدم رعایت عدالت در نظام صنعتی است و لازمه اصلاح آن، بازنگری اساسی در قانون کار کشور است.

۶-۱. مبارزه با انحصارطلبی

انحصارطلبی (استثثار) و انحصارگری، شاخصه سرمایه‌داری غربی است. ایجاد فرصت برای افزایش روزافزون سرمایه و ایجاد کارتل‌ها و تراست‌ها، سیاست نظام سرمایه‌داری بوده و برای دستیابی به آن، انحصار برخی از صنایع سخت و نرم خاص و بسیار سودآور، همواره در انحصار گروه خاصی بوده است. این افراد معدود در جهان، درصد بسیار بالایی از کل

ثروت موجود در جهان را به انحصار خود درآورده با ایجاد بردگی نوین، کارگران را در عمل همچون ماشینی از ماشین‌های کارخانه‌های خود، با اندک مزدی به کار می‌گیرند. در اسلام، بهره‌مندی از مواهب خدادادی، حق یکایک انسان‌ها بوده و اصولاً عدالت به همین منظور مورد توجه اسلام قرار گرفته است. پیش‌تر مشخص شده است که اسلام با ثروتمند شدن مشکلی ندارد، بلکه با انحصار ثروت مبارزه می‌کند؛ از این رو، در مقابل تمام مظاهر عدالت، مظهري از انحصار، اعم از انحصار در میزان درآمد، انحصار در توزیع امکانات و منابع، انحصار در توزیع خدمات، انحصار و تمرکز در مصرف وجود خواهد داشت و یکی از وظایف اصلی دولت اسلامی، مبارزه جدی با انحصارطلبی است. «بپرهیز از انحصارطلبی در چیزهایی که همه مردم در آن برابرند»^۱ (نهج البلاغه، نامه ۵۳)؛ «هر که در اموال انحصارطلبی کند، نابود می‌شود»^۲ (حرانی، ۱۳۹۵: ۲۱۷).

۷-۱. وجدان کاری (اتقان در کار)

پیش‌تر مطرح شد که برای حفظ سیستم کنونی اقتصاد آزاد و دستاوردهای آن، باید دوام و ماندگاری تولیدات کارخانه‌ها کم شود، تا با جایگزینی محصول جدید از سوی مردم، خون در رگ‌های این مدل اقتصادی دائماً در جریان باشد.

براساس تعالیم اسلامی، اتقان در کار و وجدان کاری از جنبه‌های مختلفی، مانند کیفیت محصولات تولیدی، پایداری محصولات، سهل‌انگاری، عدم کم‌کاری و... مسئله‌ای اساسی بوده و هرگونه پایین آوردن عمدی کیفیت و پایداری محصول برای افزایش ارزش افزوده، کم‌کاری کارگران و... مصداق حق‌الناس بوده و عملی غیرشرعی خواهد بود؛ «خدا رحمت کند آن کسی را که وقتی کاری را انجام می‌دهد، آن را محکم و متقن انجام دهد» (مجلسی، ۱۴۰۴ ق، ج ۲۲: ۱۵۷).

بنابراین، سیاست‌گذاری‌ها برای تحقق این مهم، از دو طریق فرهنگ‌سازی بر روی

۱. قال علیؑ: «ایاک و الإستینار بما الناس فيه أسوة...»

۲. قال علیؑ: «من يستأثر من الأموال يهلك.»

عوامل انسانی تولید و نظارت سختگیرانه دستگاه‌های نظارتی بر کیفیت و دوام محصولات، اهمیت اساسی پیدا می‌کند.

۸-۱. حفظ شأن و جایگاه اجتماعی و اقتصادی کارگر

کارگری در اسلام بسیار ارزشمند بوده و دارای عالی‌ترین مقام و باارزش‌ترین عامل از عوامل تولید محسوب می‌شود. روایات بسیاری در تکریم کارگر نقل شده است: «بهترین کسب‌ها، کسب دست کارگر است؛ اگر درست و خیرخواهانه باشد (با دقت انجام شود)»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲: ۴۶۸)؛ (سیوطی، ۱۹۸۱، ج ۱: ۶۲۱).

با قائل بودن چنین ارزش ذاتی برای کارگر، باید در نظام صنعتی کشور، این قشر دارای اولویت بوده و حفظ شأن و جایگاه اجتماعی و اقتصادی آن‌ها، براساس آموزه‌های اسلامی از دو جنبه در اولویت برنامه‌ریزی قرار گیرد: اول، اولویت دادن به کارگر از لحاظ اقتصادی در صنعت؛ دوم، رعایت احترام جایگاه حیاتی قشر کارگر و قدرشناسی از او.

طبیعتاً زمانی که سخن از اولویت دادن به کارگر از نظر اقتصادی به میان می‌آید، مسئله عدالت در توزیع ثروت مورد توجه است. در مباحث قبلی، روش‌هایی را که اسلام برای توزیع ثروت حاصل از تولید، میان عوامل تولید پیشنهاد می‌دهد، بررسی شد. در آن مبحث بیان شد که کارگر هم می‌تواند از مزد بهره‌مند شود و هم می‌تواند از سهم ارزش افزوده محصول تولیدی، به جای مزد حقی داشته باشد. در این میان، تکمله‌ای اخلاقی براساس اخلاق اسلامی در روایات مشاهده می‌شود که ضمن معجز دادن به مزدگیری کارگر، اصل اجیر شدن را مناسب شأن انسان ندانسته و آن را مایه ایجاد محدودیت در رزق الهی معرفی می‌کند و خوداشتغالی را دارای ارزشی بیشتر می‌داند؛ حتی اگر این خوداشتغالی به همان صورت کارگری باشد. شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: «مردی تجارت می‌کند و چنانچه اجیر شود، درآمدش بیشتر است.» امام علیه السلام فرمود: «اجیر نشود، اما با طلب روزی از خدا به تجارت پردازد؛ زیرا اگر اجیر شود، خود را از رزق (سود بیشتر) محروم کرده است.»^۲ (شیخ صدوق، ۱۴۱۳ق، ج ۳: ۱۷۴)

۱. قال النبی صلی الله علیه و آله: «خَيْرُ الْكَسْبِ كَسْبُ الْعَامِلِ إِذَا نَصَحَ.»

۲. قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عليه السلام: «الرَّجُلُ يَتَّجِرُ وَإِنْ هُوَ آجَرَ نَفْسَهُ أُعْطِيَ أَكْثَرَ مِمَّا يَصِيبُ فِي تِجَارَتِهِ.» قَالَ: «لَا يُوَاجِرُ نَفْسَهُ وَ لَكِنْ يَسْتَرْزُقُ اللَّهُ تَعَالَى وَ يَتَّجِرُ فَإِنَّهُ إِذَا آجَرَ نَفْسَهُ حَظَرَ عَلَى نَفْسِهِ الرَّزْقَ.»

به طور کلی، اجیر شدن با لحاظ جایز بودن، مکروه بوده و محبوب شارع اسلام نیست (صدر، ۱۳۷۹: ۸۹). این را هم باید در نظر گرفت که چرا هر جا سخن از کارگری می‌شود، اولین چیزی که به ذهن متبادر می‌شود، اجیر کردن و مزدوری اوست؟ اصولاً کارگری غیر از مزدوری است؛ انسان هرگز به اجیر شدن و مزدور دیگری بودن ترغیب نشده است؛ آنچه مورد اهتمام اسلام است، اصل کار کردن است و لازمه آن، این است که هر س برای خود کار کند و در تجارت، صنعت، زراعت و... مستقل باشد (جوادی آملی، ۱۳۹۱: ۵۲۰).

مطالب مطرح شده گویای آن هستند که لازمه اولویت قرار گرفتن کارگر در سیاست‌های کلان فناوری و صنعت، فراهم کردن شرایط سهم داشتن کارگر از سود ارزش افزوده محصولات صنعتی در قالب مضاربه است که زمینه خوداشتغالی و حفظ شأن کارگر را فراهم می‌کند؛ زیرا در این صورت، در واقع کارگر برای خود کار می‌کند، نه برای مزد. البته این مسئله در میدان عمل اقتضائاتی خواهد داشت که کم و کیف آن باید براساس شرایط واحدهای صنعتی و پس از مطالعات علمی مشخص گردد.

مسئله بعدی که در ارتباط با کارگر باید مورد توجه باشد، تلاش برای بازیابی جایگاه اجتماعی و ارزش کارگری همچون مشاغل دیگر است. متأسفانه فرهنگ کم‌ارزش دانستن کارگری، برخلاف آموزه‌های اسلام، در کشور عمومیت پیدا کرده و این ضعف فرهنگی باید به جد در دستور کار سیاست‌های فرهنگی کشور قرار گیرد.

۹-۱. مولدسازی دارایی‌های مردم

افزایش نقدینگی و انباشت دارایی‌های مردم به صورت طلا و ارز، یکی از عوامل تورم، کاهش تولید و کاهش اشتغال است. در حالی که مولدسازی دارایی‌ها مورد تأکید اسلام و در مقابل آن، جمع‌آوری اموال، که در قرآن از آن به «کنز» تعبیر شده، نکوهش شده است. مولدسازی دارایی‌ها، علاوه بر سود شخصی، منافع اجتماعی فراوانی را به همراه می‌آورد؛ این خیررسانی اجتماعی برای تحقق عدالت اجتماعی، اگر با نیت الهی صورت پذیرد، مصداق انفاق بوده و از تأکیدات مؤکد اسلام است: «هر نعمتی که خدا بر تو ارزانی داشت، بهره‌ور کن» (نهج

البلاغه، نامه ۶۹)؛ «جوانمردی کامل، به بهره‌رسانی ثروت است»^۱ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۱: ۲۰)؛ «بهره‌آور کردن مال، از ایمان است»^۲ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۸۷)؛ امام صادق علیه السلام فرمود: «انسان از خود چیزی دردناک‌تر از مال صامت (پول نقد، طلا و نقره) بر جای نگذاشت». راوی پرسید: «پس چه کند؟» فرمود: «آن را در تولید باغ و مزرعه و خانه به کار گیرد»^۳ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۵: ۹۱)؛ «خداوند این اموال را که افزون از اندازه نیازتان به شما بخشیده است، برای آن است تا آن‌ها را به همان مصرف‌هایی برسانید که خود او معین کرده است؛ نه اینکه آن‌ها را در نزد خود ببندوزید»^۴ (کلینی، ۱۳۶۵، ج ۴: ۳۲)؛ «...وَالَّذِينَ يَكْتُمُونَ الذَّهَبَ وَالْفِضَّةَ وَلَا يَفْقَهُونَهَا فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَبَشِّرْهُمْ بِعَذَابٍ أَلِيمٍ» (توبه: ۹).

طبیعتاً دولت اسلامی باید شرایطی ایجاد کند که منجر به سوق‌داری‌های مردم، چه به‌صورت مستقیم و چه غیرمستقیم، به سوی تولید شده و با ایجاد شرایط متقن برای تحقق سرمایه‌گذاری امن در تولید توسط مردم، بهره‌وری حاصل از فعالیت‌های تولید را به‌گونه‌ای تنظیم کند که سود حاصل از سرمایه‌گذاری در تولید، بیش از ذخیره طلا و ارز باشد.

۱۰-۱. توانمندسازی مستضعفان برای مولد بودن

از نگاه اسلام، تا زمانی که فرد، امکان جسمانی برای کسب درآمد داشته باشد، باید خود به کسب‌وکار پردازد و مناسب است کسب او جنبه خوداشتغالی داشته و تا حد امکان، حالت مزدگیری نداشته باشد. براین اساس، در مبحث مربوط به عدالت، مطرح شد که از نظر اسلام عزت فرد در کسب درآمد، بسیار اهمیت دارد؛ ازاین رو، بهترین تصمیم برای دولت اسلامی این است که زمینه اشتغال-مخصوصاً خوداشتغالی- و مولد بودن عادلانه افراد جامعه را فراهم کنند. این مسئله در رابطه با اقشار محروم و مستضعف، بیش‌ازپیش اهمیت داشته و دولت به جای پرداخت پول و کمک مالی برای تحقق عدالت در قبال اقشار محروم،

۱. قال السجاد علیه السلام: «... استثمار المال تمام المروءة.»

۲. قال الصادق علیه السلام: «...إصلاح المال من الإيمان.»

۳. قال الصادق علیه السلام: «ما يخلف الرجل بعده شيئاً أشدَّ عليه من المال الصّامت.» قال الزّاوی: «قلت له: كيف يصنع

به؟» قال: «يجعله في الحائط والبستان والدار.»

۴. قال الصادق علیه السلام: «إنما أعطاكم الله هذه الفضول من الأموال لتوجهوها حيث وجهها الله، و لم يعطكموها لتكنزوها.»

به مولد شدن این اقشار کمک کرده و به تدریج، امکان بهره‌مندی عزتمند از نعمات الهی را برای آنان فراهم کند و به اصطلاح، ماهیگیری را آموزش دهد، نه اینکه ماهی بیخشد.

۱-۱۱. عدم تأخیر در توزیع محصولات (مبارزه با احتکار)

مورد دیگری که به‌عنوان اصل اساسی اخلاقی است و باید سیاست‌گذاری‌های جدی برای دستگاه‌های نظارتی درخصوص کنترل آن صورت پذیرد، تأخیر در توزیع محصولات تولیدی است که با اهداف مختلفی، مانند کمبود محصول در بازار و در نتیجه، افزایش قیمت، عدم عرضه توسط تولیدکننده برای افزایش قیمت و... اتفاق می‌افتد. در اسلام، احتکار به شدت مذموم و تا حد کفر تعبیر شده است: «آن که به بازار ما کالایی وارد می‌کند، مانند مجاهد در راه خداست و آن که در بازار کالا را احتکار می‌کند، مانند کافر به کتاب خداست»^۱ (پاینده، ۱۳۸۲: ۲۷۸).

۱-۱۲. نظارت بر رعایت ارزش‌های اخلاقی در صنایع نرم

میان محصولات حاصل از صنایع سخت و نرم و خلاق، تفاوتی اساسی وجود دارد. برپایه مبنای فلسفی اتخاذشده از سوی نگارنده، فناوری‌ها و صنایع حاصل از آن‌ها، دارای بار ارزشی بوده و خنثی نیستند. این حقیقت، اگر در رابطه با صنایع سخت حالتی کلی داشته و اشاره به ساختار صنایع و خاستگاه فکری و اخلاقی مادی‌گرایانه غربی در صنایع مدرن داشته باشد، در صنایع نرم و خلاق، علاوه بر آن، به دلیل ماهیت صنایع و ارتباط مستقیم آن‌ها با ذهن و نفس انسان، بسیار حساس‌تر و کاملاً جزئی‌تر است.

توضیح آنکه یکایک صنایع نرم، از آنجاکه با تمایلات خاصی از مجموعه تمایلات، افکار و عقاید انسان به طور مستقیم سروکار دارند، فرصتی بیشتر برای اثرگذاری بر ارزش‌های اخلاقی، فکری، اعتقادی و سبک زندگی فراهم می‌آورند. انحرافات جنسی، فکری، عقیدتی، خشونت، خودنمایی و بسیاری دیگر از رذایل اخلاقی، که براساس اخلاق اسلامی رذیلت محسوب می‌شوند، می‌توانند از پیامدهای بهره‌گیری غیراصولی و بدون نظارت بر صنایع نرم، مانند سکوه‌های فضای مجازی، بازی‌های رایانه‌ای، پویانمایی‌ها و...

۱. قال النبی ﷺ: «الجالب الی سوقنا کالمجاهد فی سبیل الله و المحتکر فی سوقنا کالملحد فی کتاب الله.»

باشند؛ از این رو، توجه جدی به این صنایع در اسناد سیاستی، ضرورتی انکارناپذیر است. وظیفه ذاتی حکومت اسلامی، نظارت بر محصولات تولیدی (چه نرم و چه سخت) در جهت رشد ارزش‌های اخلاقی است؛ اما باید توجه داشت که به دلیل ماهیت صنایع نرم، هم در مرحله تولید و هم در مرحله مصرف، نظارت و حکمرانی ضرورت دارد.

نکته دیگر در رابطه با همه صنایع، و به ویژه در صنایع نرم، توجه به این مسئله است که اخلاق و شرع اسلامی هرگز مجوز تولید ثروت از هر راهی را صادر نکرده است؛ در حالی که صنایع نرم موجود در جهان، از تمایلات نفسانی انسان، مانند شهوات مختلف و غضب، برای کسب ثروت استفاده می‌کنند و اساساً تکیه صنعت و اقتصاد کنونی جهان بر همین مسئله است. بر این اساس، باید از واگذاری مسئولیت مدیریت و سیاست‌گذاری صنایع نرم و خلاق به نهادهایی که تمرکز زیادی بر حیثیت فرهنگی و حفظ ارزش‌های اسلامی-ایرانی این صنایع نداشته و فقط جنبه تولید ثروت آن‌ها را مدنظر قرار می‌دهند، جلوگیری شود.

نتیجه‌گیری

فناوری و صنایع حاصل از آن باید به صورت همه‌جانبه و سامانه‌ای تحلیل شوند؛ زیرا در واقع منظومه‌ای به هم پیوسته‌اند و با ساحت‌های گوناگون جامعه ارتباطی وثیق دارند. اگر سیاست‌گذاری در حوزه فناوری و صنعت کشور بر مبانی غربی استوار باشد، انتظار می‌رود تمام نظام فرهنگی، اخلاقی، اندیشه‌ای و... غربی نیز در کنار انتقال فناوری و صنعت، به ساختارهای اجرایی و فرهنگی کشور منتقل گردد. ضروری است که سیاست‌گذار در عرصه صنعت و فناوری، به صورت فعالانه عمل کرده و فناوری و صنعت را مبتنی بر فرهنگ اسلامی-ایرانی سامان دهد. بر این اساس، با لحاظ اندیشه‌های اسلامی در حوزه اخلاق صنایع، فناوری‌ها و اقتصاد مرتبط با صنعت، ملاحظات اخلاقی سیاست‌گذاری صنعتی در یازده عنوان شناسایی شدند.

تشکر و سپاسگزاری

بدین وسیله از تمام پژوهشگرانی که از مطالعات آن‌ها در این پژوهش استفاده شد، صمیمانه تشکر و قدردانی می‌شود.

تعارض منافع

این مطالعه برای نویسندگان هیچ‌گونه تضاد منافع‌ای نداشته است.

منابع مالی

این پژوهش هیچ‌گونه کمک مالی از سازمان‌های تأمین مالی در بخش‌های عمومی، تجاری یا غیرانتفاعی دریافت نکرده است.

کتاب نامه

قرآن کریم.

نهج البلاغه، ترجمه حسین انصاریان

آوینی، سید مرتضی (۱۴۰۰). توسعه و مبانی تمدن غرب. تهران، واحه.

آوینی، سید مرتضی (۱۳۹۲). آغازی بر یک پایان، در غرب شناسی. اصفهان، آرما.

پاینده، ابوالقاسم (۱۳۸۲). نهج الفصاحه. تهران، دنیای دانش.

پیت، جوزف (۱۳۹۳). در باب تکنولوژی؛ مبانی فلسفی تکنولوژی. (مصطفی تقوی، مترجم).

تهران، کتاب آه.

جمعی از نویسندگان (۱۴۰۲). بررسی و مقایسه قیمت و سرانه مصرف بنزین در ایران و جهان،

گزارش کارشناسی، مرکز مطالعات زنجیره ارزش نفت و گاز.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۸۶). اسلام و محیط زیست. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۱). مفاتیح الحیاة. قم، اسراء.

جوادی آملی، عبدالله (۱۳۹۹). تسنیم؛ تفسیر قرآن کریم. قم، اسراء.

جوادی، محسن (۱۳۸۷). انسان محوری در اخلاق زیست محیطی با تأکید بر نگرش اسلامی.

مقالات و بررسی ها، ۴۱(۱۰۰)، ۴۷-۶۶.

حرانی، ابومحمد (۱۳۶۳). تحف العقول. (علی اکبر غفاری، مصحح). قم، انتشارات اسلامی.

حرانی، ابومحمد (۱۳۹۵). تحف العقول. (صادق حسن زاده، مترجم). قم، آبانه.

خبرگزاری تابناک (۱۴۰۲). هدررفت نیمی از برق در شبکه توزیع. دسترسی در:

<https://www.tabnak.ir/fa/news/1185073>

داوری اردکانی، رضا (۱۳۹۲). صد سال سرگردانی در راه غربی شدن و تجددمآبی، در

غرب شناسی. اصفهان، آرما.

رضائی سامان کندی، مسعود، شادنوش، نصرت الله، و سهرابی، طهمورث (۱۳۹۹). چارچوب

سیاست گذاری فناوری براساس ارزش های اخلاقی اجتماعی؛ مطالعه موردی فناوری نانو در

صنعت برق و انرژی. پژوهش های سیاست گذاری و برنامه ریزی انرژی، ۲۱(۶)، ۱۲۵-۱۶۶.

سیوطی، عبدالرحمان (۱۹۸۱م). الجامع الصغیر فی احادیث البشیر النذیر. چاپ اول. بیروت،

دارالفکر.

صدر، سید موسی (۱۳۷۹). اقتصاد در مکتب اسلام. تهران، آوند دانش.

صدوق، محمد بن علی بن بابویه القمی (۱۴۱۳ق). من لایحضره الفقیه. (علی اکبر غفاری،

مصحح). قم، انتشارات اسلامی.

طوسی، محمد بن الحسن (۱۳۶۵). تهذیب الاحکام. تهران، دارالکتب الاسلامیه.

- عربی، سید هادی، و زندگی، حسین (۱۳۹۶). سیاست‌گذاری اقتصادی از منظر اخلاق فضیلت؛ درس‌هایی برای اقتصاد اسلامی، روش‌شناسی علوم انسانی، ۲۲(۹۰)، ۷-۳۳.
- کلینی، محمد بن یعقوب (۱۳۶۵). الکافی. تهران، دارالکتب الاسلامیه.
- گارودی، روزبه (۱۳۶۵). هشدار به زندگان. (علی اکبر کسمائی، مترجم). چاپ دوم. تهران، نشر ویس.
- مالکی اشتری، ورام (بی‌تا)، تنبیه الخواطر و نزهة النواظر. قم، مکتبه الفقیه.
- مجلسی، محمدباقر (۱۴۰۴ق). بحار الانوار الجامعه لدرر اخبار الائمه الاطهار^{علیهم‌السلام}. بیروت، مؤسسه الوفاء.
- محمدی، عباس، حسنی جعفری، فتانه، و سرمدی، محمدرضا (۱۴۰۰). فلسفه اخلاق در فناوری. تهران، دانشگاه پیام نور.
- محمدخانی، محمدرضا، میرجلیلی، فاطمه، و مقصودی، ابراهیم (۱۴۰۴). ابهام در آمارهای شدت انرژی و مقایسه ایران با کشورهای جهان (گزارش شماره ۱، کد موضوعی: ۰۱۳، شماره مسلسل: ۱۰۰۳۳). معاونت پژوهش‌های زیربنایی و امور تولیدی، دفتر مطالعات انرژی، صنعت و معدن.
- مرکز آمار ایران (۱۴۰۳). آمار سهم تلفات شبکه توزیع برق ایران (سال‌های ۱۳۹۷-۱۴۰۱)، دسترسی در: <https://amarfact.com/statistics/losses-irans-electricity-distribution>
- میرباقری، سید محمد مهدی (۱۳۸۹). اخلاق، فناوری اطلاعات و جامعه‌پردازی. قم، فرهنگستان علوم اسلامی.
- نراقی، احمد (۱۳۸۵). معراج السعادة. تهران، دهقان.
- Gouardères, F. (2021). *General principles of EU industrial policy*. European Parliament.
- Szczepański, M., & Dobrova, A. (2019). *Industrial policy*. European Parliamentary Research Service.
- Tagliapietra, S., & Veugelers, R. (2020). *A green industrial policy for Europe*. Bruegel. Brussels, Belgium.

Transliterated Bibliography

- The Holy Quran. [In Arabic]
- Nahj al-Balagha. Translated by Hossein Ansarian. [In Persian]
- Al-Harrani, A. M. (1984). *Tuhaf al-'uqul* (A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications. [In Arabic].
- Al-Harrani, A. M. (2016). *Tuhaf al-'uqul* (S. Hasanzadeh, Trans.). Qom: Abaneh. [In Arabic].

- Al-Kulaini, M. ibn Ya'qub. (1986). *Al-Kafi*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic].
- Al-Saduq, M. ibn 'A. ibn Babawayh al-Qumi. (1413 AH). *Man la yahduruhu al-faqih* (A. A. Ghafari, Ed.). Qom: Islamic Publications. [In Arabic].
- Al-Suyuti, J. al-D. 'A. al-R. (1981). *Al-Jami' al-saghir fi ahadith al-bashir al-nadhir* (1st ed.). Beirut: Dar al-Fikr. [In Arabic].
- Al-Tusi, M. ibn al-Hasan. (1986). *Tahdhib al-ahkam*. Tehran: Dar al-Kutub al-Islamiyya. [In Arabic].
- Arabi, S. H., & Zandi, H. (2017). Economic policy making from the perspective of virtue ethics: Lessons for Islamic economics. *Methodology of Human Sciences*, 22(90), 7–33. [In Persian].
- Avini, S. M. (2013). A beginning for an end. In *Gharb-shenasi (Westology)*. Isfahan: Arma. [In Persian].
- Avini, S. M. (2021). Development and the foundations of Western civilization. Tehran: Vaheh. [In Persian].
- Davari Ardakani, R. (2013). One hundred years of confusion on the path toward Westernization and modernism. In *Gharb-shenasi (Westology)*. Isfahan: Arma. [In Persian].
- Garaudy, R. (1986). *A warning to the living* (A. A. Kasemaei, Trans., 2nd ed.). Tehran: Nashr-e Veys. [In Persian].
- Gouardères, F. (2021). *General principles of EU industrial policy*. European Parliament.
- Javadi Amoli, A. (2007). *Islam and the environment*. Qom: Asra. [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (2012). *Mafatih al-hayat*. Qom: Asra. [In Persian].
- Javadi Amoli, A. (2020). *Tasnim: Commentary on the Holy Qur'an*. Qom: Asra.
- Javadi, M. (2008). Anthropocentrism in environmental ethics with emphasis on the Islamic perspective. *Maqalat va Barrasiha*, 41(100), 47–66. [In Persian].
- Majlisi, M. B. (1404 AH). *Bihar al-anwar al-jami'a li durar akhbar al-a'imma al-athar*. Beirut: Mu'assasat al-Wafa. [In Arabic].
- Maleki Ashtari, V. (n.d.). *Tanbih al-khawatir wa nuzhat al-nawazir*. Qom: Maktabat al-Faqih. [In Arabic].
- Mirbagheri, S. M. (2010). *Ethics, information technology, and social formation*. Qom: Academy of Islamic Sciences. [In Persian].
- Mohammadi, A., Hosseini Jafari, F., & Sarmadi, M. (2021). *Ethics of technology*. Tehran: Payame Noor University. [In Persian].

- Mohammadkhani, M., Mirjalili, F., & Maghsoudi, E. (2025). Ambiguities in energy intensity statistics and comparison of Iran with other countries (Report No. 1, Subject Code: 013, Serial No. 10033). Deputy for Infrastructure and Production Research, Office of Energy, Industry and Mining Studies. [In Persian].
- Naraqi, A. (2006). *Mi'raj al-sa'ada*. Tehran: Dehghan. [In Arabic].
- Payandeh, A. (2003). *Nahj al-fasahah*. Tehran: Donyaye Danesh. [In Persian].
- Pitt, J. (2014). *On technology: The philosophical foundations of technology* (M. Taghavi, Trans.). Tehran: Ketab Ameh. [In Persian].
- Rezaei Samankandi, M., Shadnoush, N., & Sohrabi, T. (2020). Technology policy framework based on socio-ethical values: A case study of nanotechnology in the electricity and energy industry. *Energy Policy Research and Planning*, 6(21), 125–166. [In Persian].
- Sadr, S. M. (2000). *Economics in the school of Islam*. Tehran: Avand Danesh.
- Statistical Center of Iran. (2024). *Statistics of electricity distribution network losses in Iran (2018–2022)*. <https://amarfact.com/statistics/losses-irans-electricity-distribution/> [In Persian].
- Szczepański, M., & Dobрева, A. (2019). *Industrial policy*. European Parliamentary Research Service.
- Tabnak News Agency. (2023). Loss of half of electricity in the distribution network. <https://www.tabnak.ir/fa/news/1185073> [In Persian].
- Tagliapietra, S., & Veugelers, R. (2020). *A green industrial policy for Europe*. Bruegel.
- Various Authors. (2023). *Review and comparison of gasoline prices and per capita consumption in Iran and the world*. Expert Report, Oil and Gas Value Chain Studies Center. [In Persian].